

سادن تراث الإمامیة^۱

آنچه در این مقال می‌خوانید متن سخنرانی آیه‌الله حاج شیخ هادی نجفی مدظله می‌باشد که در شب مراسم هفت آیه‌الله علامه سید محمدعلی روضاتی رحمته‌الله در اصفهان مسجد صاحب روضات در تاریخ ۹۱/۵/۴ ایراد شده است.

أعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين والسلام والصلاة على سيدنا ونبينا أبي القاسم محمد و
على أهل بيته الطيبين والطاهرين المعصومين واللعنة الدائمة على أعدائهم أجمعين
من الآن إلى قيام يوم الدين

قال الله تعالى في كتابه الكريم: ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا

الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾^۲

شب هفت مرد علم و دانش، تحقیق و قلم، دانشمند بزرگوار، علامه محقق، آیه‌الله مرحوم آقای حاج سید محمدعلی روضاتی رحمته‌الله می‌باشد، و بنا نبوده است من در این مجلس محترم تصدیع کنم. داخل مجلس که آمدم به من امر کردند چند کلام صحبت کنم و تا قبل از ورودم به این مجلس من خودم نیز اطلاعی نداشتیم که می‌بایست در این محفل مقدس صحبت کنم. بنابراین دوستان و رفقا صحبت را

۱. در مقدمه‌ای که بر تبصرة الفقهاء شیخ محمدتقی جد رحمته‌الله صاحب هدایة المسترشدين نوشتم از

مرحوم آیه‌الله سید محمدعلی روضاتی رحمته‌الله چنین تعبیر نمودم. رک: تبصرة الفقهاء، ج ۱، ص ۱۱.

۲. سوره‌ی المجادلة، آیه ۱۱.

ارتجالی حساب کنند و از قبل آمادگی برای صحبت نبوده است لکن به واسطه حقوقی که این مرد بزرگ بر همه ما و بر شخص بنده و بر هر کسی که در این شهر و این کشور و در این آیین و مذهب اهل تحقیق و تفحص بوده‌اند، این مرد بزرگ بر گردن ما همه حق دارد پذیرفتم چند کلمه صحبت کنم شاید گوشه ای از حقوق بی کران ایشان را بر خودم و بر دوستان دیگرم بآذن الله و با استمداد از روح پاک و مطهر خودش بتوانیم که ادا کنیم.

ابتدا یک شرح حال مختصر^۲ در حدی که گنجایش مجلس باشد از این بزرگوار عرض می‌کنم. ولادتش در روز سیزدهم رجب است سالروز ولادت مولایش امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب در سال ۱۳۴۸ق در اصفهان است.

پدر بزرگوارش مرحوم آیه‌الله آقای میرزا محمد هاشم روضاتی چهارسوقی متوفی ۱۳۵۶ق در نجف اشرف مشغول تحصیل بودند مراتبی از علم و دانش را حائز شدند و از شاگردان مرحوم آیه‌الله العظمی آقا ضیاء عراقی بوده‌اند به خاطر این که نامه‌ی تسلیت مرحوم آقا ضیاء عراقی را یک وقت خود مرحوم استاد به من نشان دادند که مرحوم آقا ضیاء عراقی به جد مادری استاد و مرحوم آقای آقامیرزا محمدحسن چهارسوقی فوت دامادش - پدر استاد - را تسلیت گفته بودند: ایشان غریق در رودخانه (شط) کوفه هستند و چند سالی در نجف اشرف و مدرسه آخوند

۳. شرح حال مأخوذ از مؤخره‌ی دانشمند ارجمند استاد آقای جویا جهانبخش^۳ بر کتاب «اسنادی از خاندان روضاتیان» است که به کوشش صدیق محترم حجة الاسلام و المسلمین آقای دکتر رسول جعفریان^۴ در بهار ۱۳۸۲ توسط انتشارات انصاریان در قم منتشر شده است.

ساکن بودند. به هر حال غریق شط کوفه شدند و برخی از هم مباحثه‌های این پدر یا دوستانش را بخواهیم نام ببریم عبارتند از: مرحوم آیه‌الله آقای حاج شیخ مجتبی لنکرانی، مرحوم آیه‌الله آقا حاج شیخ محمدباقر نطنزی، مرحوم آیه‌الله آقای حاج شیخ محمدباقر کمره‌ای که در شهر ری بودند. اینها دوستان پدر و شاید هم مباحثه‌های مرحوم پدر ایشان بودند.

آقای میرزا محمدهاشم فرزند مرحوم آیه‌الله آقای سید جلال‌الدین فرزند مرحوم آیه‌الله حاج سید مسیح چهارسوقی فرزند آیه‌الله العظمی سید محمدباقر خوانساری چهارسوقی (صاحب کتاب روضات الجنات). این نسب پدری استاد.

اما نسب مادری. مادر ایشان دختر میرزا حسن چهارسوقی است که در اصفهان پیرمردهای شهر همه ایشان را می‌شناسند و خود استاد یک کتابی در شرح حال جد مادریشان نوشته‌اند به نام «زندگی‌نامه آیه‌الله چهارسوقی» و سالیان درازی است که منتشر شده است. آقای میرزا حسن چهارسوقی هم که فرزند مرحوم آقا میرزا مسیح چهارسوقی است یعنی پدر و مادر استاد هر دو پسرعمو و دخترعمو هستند و هر دو نسبشان به آقای آقامسیح چهارسوقی برمی‌گردد. چرا در خواندن نسب تأکید دارم؟ به خاطر اینکه آقایان بدانند یک کسی که به مراتبی می‌رسد توجه می‌فرماید که خانواده و محیط تربیت در آن بسیار مؤثر است، ما نمی‌گوییم راه برای کسانی که از خاندان‌های غیرعلمی می‌آیند بسته است نه بحمدالله راه تحصیل باز است. هرکسی درس بخواند ترقی می‌کند جلو می‌رود. اما پرواضح است آنهایی که

خاندان علمی هستند طریق برای آنها هموارتر است و تردیدی در این مطلب نیست لذا نسبشان را خدمت شما تا صاحب روضات عرض کردم.

اما تحصیلات: استاد تحصیلات جدیدشان را تا اواخر دبیرستان انجام می دهند. بعد از اواخر دبیرستان در حوزه علمیه وارد می شوند و اشتغال به تحصیل پیدا می کنند از کسانی که آیه الله روضاتی در نزدشان مقدمات را خواندند اطلاع چندانی نداریم قاعدتاً طلبه های بزرگتر ایشان در آن وقت اصفهان بودند. و در حوزه ی علمیه اصفهان درس معالم الاصول مرحوم آقا شیخ محمدحسین مشکین (مقدس) حاضر می شوند. شرح لمعه مرحوم آقای آقا شیخ محمدحسن نجف آبادی در مدرسه جدّه بزرگ و همچنین شرح لمعه مرحوم شیخ هبه الله هرنندی، مکاسب مرحوم حاج شیخ محمدرضا جرقویه ای صلصالی. مکاسب ایشان را هم حاضر می شوند. بعد از اینکه چند سالی در حوزه علمیه اصفهان تحصیل می کنند. عازم شهر مقدس قم می شوند. در آنجا باز مقداری از دروسی که از اصفهان ناتمام مانده است تمام می کنند. شرح لمعه مرحوم شهید آیه الله حاج شیخ محمد صدوقی را حاضر می شوند. و مکاسب را از درس مرحوم آیه الله آقای سید محمدباقر سلطانی استفاده می کنند، و همچنین مقداری از رسائل و مکاسب را در نزد مرحوم آیه الله آقای میرزا ابوالفضل زاهدی قمی و کفایه مرحوم آیه الله مجاهدی را در قم حاضر می شوند. بنابراین شرح لمعه، رسائل و مکاسب و کفایه شان را در قم تمام می کنند. و مقداری هم کفایه مرحوم آیه الله آقای حاج شیخ مرتضی حائری یزدی، آیه الله زاده ی مؤسس حوزه علمیه قم حاضر می شوند و پس از اینکه دروس سطح را تمام می کنند درس

خارج را در محضر مرجع اعلاى تشيع مرحوم آية الله العظمى آقا حسين
بروجردى رحمته الله حاضر مى شوند.

اين اساتيد ايشان تا آنجاىي كه در اختيار بود و عجاله بنده توانستم آنها را
استخراج كنم.

از ۲۷ نفر از مشايخ روايت شيعه اين بزرگوار اجازه روايت دارد. به اضافه ۳
نفر از اعلام اهل سنت و جماعت كه مجموعاً سى نفر مى شوند البته از برخى نيز
شفاهاً مجازند، و آنها را در اجازات مفصلى كه مرقوم فرموده اند معرفى کرده اند: يك
اجازه مفصل مرقوم فرموده اند براى مرحوم آية الله آقا حسين امامى رحمته الله كه
چاپ شده و اجازه مفصل ديگرى هم مرقوم فرموده اند براى آية الله زاده معظم جناب
آقاى حاج آقا حسن مظاهرى رحمته الله و اميدواريم آن هم به چاپ برسد. توى اين دو تا
اجازه مفصل كه ايشان مرقوم فرموده اند كه از حيث تراجم بين اين دو عموم و
خصوص من وجه است چون هر دو موجود است و تطبيقش کرده ايم مشايخ خودشان
را به تفصيل ذكر مى كنند از بسيارى از مراجع متوفى اين بزرگوار اجازه روايت و
نقل حديث دارد. و منحصر به اجازه روايت هم نيست آنچه كه حافظه ناتوان بنده
اجازه مى دهد در منزل خودشان دفترى از اجازاتشان را به بنده نشان دادند كه در
اين دفتر اجازه اجتهادى بود براى آية الله روضاتى از مرحوم آية الله العظمى آقاى
حاج محمد حسين كاشف الغطاء رحمته الله كه در نجف اشرف و در مدرسه خودشان براى
ايشان شايد در سن حدود بيست و چند سالگى صادر شده بود.

آیه‌الله روضاتی می‌فرمودند با جد خودمان آقای حاج سید حسن چهارسوقی رفتیم نجف اشرف زیارت و آنجا آیه‌الله آقای حاج محمد حسین کاشف‌الغطاء در نجف اشرف در سن حدود ۲۰ سالگی برای ایشان اجازه اجتهاد مرقوم کرده‌اند. مشایخ اجازه‌ی ایشان را بخواهیم بشماریم غیر از مرحوم حاج شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء و غیر جدشان آقای حاج سید حسن چهارسوقی عبارتند از: مراجع متوفی آیات عظام:

آقای سید صدرالدین صدر، مرحوم سید عبدالحسین شرف‌الدین عاملی، مرحوم سید هبه‌الدین شهرستانی، مرحوم آیه‌الله آقای آقاسید محمد هادی میلانی، مرحوم آیه‌الله آقای سید جمال گلپایگانی، مرحوم آیه‌الله آقامیرزا ابراهیم اصطهباناتی، مرحوم آیه‌الله آقا سید محسن حکیم و بسیار دیگر که اگر بخواهیم بشماریم وقت آقایان و دوستان را می‌گیریم.

چه می‌خواهم به شما بگویم مردم اصفهان، دانشمندان، علماء، اهل تحقیق، بزرگواران، گوهر گرانمایی را از دست دادیم. درست است که در گوشه‌ی چهارسوق اصفهان مردم پیرمردی را می‌دیدند، آقایانی که کاسب توی این دکان‌های اطراف بودند، بعضی وقت‌ها می‌دیدند - آن اوایل که حالشان خوب بود - صبح یا عصر برای قدم زدن از خانه بیرون می‌آمدند این اواخر مایحتاج زندگی خودشان را تهیه می‌کردند. به خانه می‌رفتند ۱۶ سالی هم بود همسر گرانهای خودشان را که واقعاً زن فداکاری بود، این همسر و مادر بزرگوار را از دست داده بودند و به تنهایی در این خانه انیس و مونسشان جز کتاب و جز مطالعه و جز تحقیق و جز کسانی که

برای تحقیق مراجعه می‌کردند به ایشان، کس دیگری نبود. شما مردم اصفهان قدر ایشان را إن شاء الله دانسته‌اید!

چرا ما باید همیشه یک کسی را که از دست می‌دهیم تازه بفهمیم که یک چنین شخصیتی را از دست داده‌ایم. من نمی‌خواهم گلایه‌ای از کسی بکنم، حتی از کسانی که در مسجدی که ایشان اقامه جماعت داشتند و نماز می‌خواندند من خودم یادم است سر ترک مسجدی که ایشان فرموده بودند خود من با بعض آقایان آمدیم هیئت امنای مسجد آمدند دستان مبارک ایشان را بوسیدند استدعا داشتند. خواهش و تمنا که ایشان تشریف بیاورند ظهرها در مسجد جد اُمی خودشان مرحوم آیه‌الله آقای میرزا محمد هاشم چهارسوقی نماز ظهرشان را که اقامه می‌کردند اقامه کنند. اما دیگر استاد دل و دماغ نداشتند دیگر حال اینکه بیایند مسجد شاید نداشتند و الا از طرف مردم اظهار محبت و دوستی بود، من خودم شاهد بودم که استدعا می‌کردند، خواهش می‌کردند. هیئت امنای آمدند دستان ایشان را بوسیدند. اما حالا ایشان به خاطر شاید اشتغالات علمی بود شاید به خاطر اینکه دیگر بیماری‌ها متراکم شده بود، مساعد نبود و لذا که دیگر پذیرفتند و مسجد حاضر نشدند.

مهم برای آیه‌الله روضاتی رفتن به نماز جماعت نیست بحمدالله ما به قدر کفایت امام جماعت داریم شخصیتی مثل آقای روضاتی باید به نوشتن و تحقیق و تألیف خودش اشتغال داشته باشد. به آقایان اهل علم، دوستان دانشگاهی که در مجلس هستند یادآور می‌شوم کلامی را که مرحوم آیه‌الله آقا سید محسن امین عاملی

در مؤخره‌ای که بر «مفتاح الكرامة»^۴ آیه‌الله آقاسید محمد جواد عاملی رحمته نوشته است در مؤخره‌ای آن کتاب از قول نوهی صاحب مفتاح الكرامة نقل می‌کند می‌گوید: سیّد جواد عاملی جد ما یک ساعت به اذان صبح همه‌ی ما را و تمام اهل خانه را بیدار می‌کرد. می‌گفت اهل خانه بلند شوید، زن و مرد بلند شوید برای نماز شب. می‌گوید ما می‌دیدیم جدمان همه را صدا می‌زند همه را برای نماز شب بیدار می‌کند، اما بعد اینکه همه را بیدار کرد حتی بچه‌ها را بیدار کرد برای اقامه نماز شب. خودش می‌رفت پشت میزش می‌نشست و مشغول نوشتن مفتاح الكرامة در شرح قواعد علامه می‌شود. می‌گوید من بچه بودم به ایشان اعتراض کردم که جد بزرگوار صاحب مفتاح شما همه را بیدار می‌کنید، وقتی ما همه بیدار شدیم خودت به جای اینکه نماز شب بخوانی می‌روی مشغول نوشتن کتابت می‌شوی؟ فرموده بود: نوشتن این کتاب برای من از نماز شب اهمیتش بیشتر است. شما نماز شبتان را بخوانید من می‌بایست کتابم را بنویسم. آیه‌الله روضاتی اگر سنین آخر ترک محراب و منبر کردند مهم نیست مهم این است که تا لحظات آخر قلم از دستان این مرحوم نیفتاد. حتی یادم است جمعه‌ی آخری که شب جمعه‌ی بعدی شب اول قبر ایشان بود. جمعه‌ی آخری که با تعدادی از دوستان مشرف شدیم برای احوالپرسی این بزرگوار و وارد شدیم و توی بستر بیماری افتاده بودند. و کتاب تازه چاپ شده ایشان تعلیقاتشان بر طبقات اعلام الشیعة شیخ آقابزرگ تهرانی که به نام «تکملة طبقات اعلام الشیعة»، در تهران چاپ شده توسط کتابخانه مجلس شورای اسلامی را جناب حجة الاسلام آقای حاج شیخ

۴. رجوع کنید: مفتاح الكرامة، ج ۴، ص ۷۷۳، چاپ اول مصر.

رسول جعفریان آوردند و به ایشان دادند و نسخه‌ای از قبل فرستاده بودند از همان بستر بیماری با یکی از دوستان^۵ تماس گرفته بودند که بیا اینجا تا با هم تکلمه طبقات اعلام الشیعة را که چاپ شده مقابله کنیم ببینیم نسخه غلطی دارد، اغلاطش را یادداشت کنیم اگرچه هرگز نتوانستند این کار را خودشان انجام بدهند اما به آن صدیق گرامی گفته بودند شما بروید این را تصحیح کنید از روی نسخه دست‌نوشته و بعد بیارید تا اغلاطش گرفته شود یعنی این بزرگوار تا آخرین لحظات حیات مادی خودشان قلم و کاغذ از دستشان نیفتاد.

این جمله از آیه‌الله روضاتی است و در ذهن من از قدیم به یادگار مانده است فرمودند: آقا در خاندان ما کاغذ مقدس است. کاغذ مقدس است. این جمله یادت باشد. و لذا می‌فرمودند ما حتی ورق‌پاره‌های خودمان را دور نمی‌ریزیم اینها را نگه می‌داریم کاغذ تقدسی دارد.

شما می‌دانید خاندان روضاتی در اصفهان یکی از عریق‌ترین خاندان‌هایی است که نه در اصفهان و نه در ایران بلکه در مذهب تشیع وجود دارد. بسیاری از ایشان علمای بزرگ بودند و بحمدالله هنوز هم مفاخری در این خاندان وجود دارد. غرض اینکه بدانید عزیزان، برادران، خواهران که صدای من را می‌شنوید. علما که می‌دانند. اساتید دانشگاه که شرف حضور دارند می‌دانند قدر شخصیت‌های علمی خودمان را قبل از اینکه از دست ما بروند بدانیم. چرا همیشه باید بنشینیم و افسوس بخوریم و بعد از مرگ تازه بفهمیم اینها که بوده‌اند! چرا می‌بایست تشییع جنازه‌ای از

۵. فاضل و محقق ارجمند آقای سید محمدرضا شفتی حفظه الله تعالی.

استاد صورت بگیرد که من نمی‌دانم بخواهم باید تشبیه کنم به تشییع جنازه‌ای که از جدشان حضرت امام موسی بن جعفر علیه السلام شد. من از همین جا اعتراض خودم را می‌رسانم به منع دفن در تخت فولاد به همه آقایان مسئول اعلام می‌کنم. به شهرداری محترم اعلام می‌کنم هیچ قانونی بر منع دفن در تخت فولاد وجود ندارد. چرا مانعند که علما و بزرگان و شخصیت‌هایی که قبر دارند مقبره دارند در تخت فولاد دفن شوند؟ چرا ارتباط نسل حاضر و نسل‌های گذشته و مدفونین در تخت فولاد را دارند قطع می‌کنند؟! یک دست‌هایی در کار است. البته آیه‌الله روضاتی با مجوز در مقبره‌ی جدشان صاحب روضات در بقعه، بالا سر قبر جدشان دفن شدند و به قول یکی از اقوامشان خود مرحوم صاحب روضات ایشان را برد پیش خودش که کنار خودش بالا سر صاحب روضات دفن بشوند. برای ایشان هم مجوز صادر شده بود، اما چرا این ارتباط نسل حاضر و تخت فولاد دارد قطع می‌شود؟! ما این را یک عمل جاهلانه می‌دانیم، تخت فولاد هنوز جا دارد. هزاران نفر جا دارد. چرا اجازه‌ی دفن داده نمی‌شود علمای اصفهان چند سال پیش خدمت مقام معظم رهبری - مدظله - به جهت لغو این منع عریضه‌ای فرستادند. و اقلاً برای شخصیت‌ها برای کسانی که مقبره دارند برای کسانی که بقعه دارند. برای کسانی که فضا موجود است. هرکسی می‌خواهد برود باغ رضوان برود. کسی جلوی دفن در باغ رضوان را نگرفته هرکسی هم می‌خواهد تخت فولاد بیاید و تخت فولاد دفن بشود. لاقلاً برای شخصیت‌های علمی چرا شبانه چرا مخفیانه. مگر ما داریم چه تشییع می‌کنیم چرا باعزت و احترام تشییع نکنیم؟! چرا جنازه دم کوچه‌ی مقبره‌ی صاحب روضات بگویند زود ببرید زود

ببرید! چرا زود ببرند؟ در تمام شهرهای بزرگ دنیا تو لندن وسط شهر لندن مقبره ایست که در آن مرده دفن می کنند. چه جور شد آنها بهداشت سرشان نمی شود ما بهداشت سرمان می شود. این حرف ها را نزنید. یک قدری با فکر کار بکنید. امیدوارم که این اعتراض من به گوش آنهایی که باید برسد، برسد. حالا دیگر «تلك شِقْشِقَةٌ هَدَرَتْ ثُمَّ قَرَّتْ»^۶ بود، رها کنید.

استاد تألیفات گرانمایی دارند. تألیفاتی که متجاوز ۴۰ عنوان، شاید بیش از ۵۰ جلد تألیفات ایشان است. صدیق گرامی جناب آقای جعفریان رییس محترم کتابخانه مجلس در مجلس فاتحه همین جا می فرمود: اگر تعلیقات ایشان را بر کتاب های دیگران جمع کنیم متجاوز از ۲۰ مجلد کتاب می شود. شما دوستان آقایان می دانید تعلیقه نوشتن بر کتابی از متن نوشتن کار سخت تر و دشوارتری است، چون شما باید متن را بفهمید بدانید. نقاط ضعف متن را بگیری. آن می شود تعلیقه. یا معلوماتی اضافه ی بر متن اضافه کنی. در هر صورت خدمات علمی این بزرگوار را من فقط گوشه ای را سریع می خوانم. گرچه وقت هم گذشت.

در ۱۹ سالگی حدود ۲۰ سالگی «روضات الجنات» جد بزرگوارشان را چاپ سنگی کردند. این چاپ سنگی توسط آقا سید سعید نایینی بهترین چاپ سنگی روضات است.

در ۲۶ سالگی «سماء المقال» مرحوم آیه الله ابوالهدی کلباسی را چاپ اولش را ایشان کردند.

۶. نهج البلاغه، خطبه ی سوم.

باز همان حدود در ۲۶ سالگی «زندگینامه آیه‌الله چهارسوقی» جد مادری خودشان را منتشر کردند.

سال بعدش در ۲۷ سالگی سال ۱۳۳۵ش «جامع الانساب» را در یک جلد منتشر کردند.

بعد از آن از آثاری که منتشر کردند «مکارم الآثار» مرحوم معلم حبیب‌آبادی است. دوستان می‌دانند مرحوم معلم اواخر عمرش در منزل ایشان ساکن بود. مجلدات «مکارم الآثار» یکی از کتاب‌های مرجع در تراجم دو قرن ۱۲ و ۱۳ هجری در خانه‌ی ایشان یا تنظیم شد یا حداقل به چاپ فرستاده شد و آیه‌الله روضاتی بر تمام مجلداتش تعلیقات بسیار مفیدی دارد امیدواریم تتمه‌ی مجلدات «مکارم الآثار» مرحوم معلم با تحقیقات استاد چاپ شود.

کتاب «الأوائل» مرحوم آیه‌الله آقا سید محمد مقدس را ایشان در سال ۱۳۴۰ش تدوین کردند. کتاب نامرتبی بوده، یادداشت‌های مرحوم آقای مقدس پیش من است الآن. آن یادداشت‌ها هیچ نظم و ترتیبی ندارد. آیه‌الله روضاتی با خون دل اینها را مرتب کرده‌اند و به دست چاپ سپرده‌اند.

«عبارات الانوار» میرحامدحسین هندی حدیث ثقلینش و سفینه را و همچنین مجلد حدیث منزلت را در شش جزء ایشان منتشر کردند.

یک «شرح بر روضات» مرحوم جدشان دارند که در سال ۴۱ش یک تک جلدش چاپ شده. و ای کاش تمام روضات که یک جلدش را ایشان با تعلیقات منتشر کردند این جور چاپ می‌شد واقعاً یک اثر ماندنی بود.

«فهرست کتاب‌های خطی کتابخانه‌های اصفهان». منحصر به کتابخانه خودشان هم نیست. ایشان هر جا توی اصفهان کتاب خطی دیده بودند کتاب‌ها را فهرست کرده‌اند. حتی در بعضی از بیوتات کتاب بوده می‌رفتند از صاحب آن کتابخانه پنج تا پنج تا، ده تا ده تا کتاب را امانت می‌گرفتند می‌آمدند فهرست می‌کردند توضیحات می‌نوشتند هفته‌ی بعد برمی‌گرداندند این پنج نسخه، ده نسخه را. پنج تا، ده تا نسخه دیگر می‌گرفتند می‌آمدند و فهرست می‌کردند. و «فهرست کتاب‌های خطی» ایشان مثل بعضی از فهرست‌ها نیست که فقط یک اسم مؤلف و کتاب و تاریخ ختم نسخه و اسم ناسخ و تعداد سطر و نوع جلد و اینها داشته باشد. شما جلد اول فهرست ایشان را که ورق بزنید می‌بینید بسیاری از کتاب‌ها را به تفصیل معرفی کردند تفسیر علی بن ابراهیم قمی را شاید ایشان از جمله اولین کسانی است که به این مطلب می‌رسند که در این تفسیر علی بن ابراهیم قمی، تفسیر ابی‌الجارود هم وارد شده است. در مورد تفسیر نسخه‌شناسی کاملی دارند. نسبت به علی بن ابراهیم بیش از ۳۰ صفحه تو فهرستشان توضیحات دارند. بعضی کتاب‌های دیگر را نسخه‌ای که در اختیار ایشان بوده است. اصلاً مؤلف را شناسایی کردند. کتاب را کاملاً توضیح می‌دهند. یعنی فهرست یک فهرست نسخه‌نویسی، فهرست‌نویسی فقط نیست. یک دائرة المعارف است.

«جبر و تفویض» یا «رساله خلق اعمال» جناب ملاصدرا را تحقیق و تقدیم

کردند.

نسخه برگردان «تجارب السلف» هندوشاه نخجوانی را تصحیح کردند.

دو تا رساله دارند به نام «دوگفتار». «دومین دوگفتار». اینها نکات دقیقی دارد.

قسمتی از «مناهج المعارف» جد بزرگوارشان را تصحیح و منتشر کردند. «کشف المراد» علامه حلی را با تعلیقات مرحوم پدرشان مرحوم آقا میرزا محمد هاشم چهارسوقی به چاپ رساندند.

حواشی دارند بر «زندگینامه علامه مجلسی»، ۲ جلد به قلم مرحوم شادروان سید مصلح الدین مهدوی رحمته الله علیه که ایشان تعلیقاتی دارند بر این کتاب و تعلیقاتشان با متن منتشر شده است.

«حاشیه ملا عبدالله» و «شرح نظام» که دو تا از متونی است که طلبه‌ها می‌خواندند و ان شاء الله بگوئیم هنوز هم می‌خوانند تصحیح کردند و هر دو از طرف کتابفروشی مرحوم آقای شفیعی در اصفهان منتشر شد.

مجلدات مخطوطی دارند این اواخر در ۲ جلد حاشیه ایشان بر ذریعه‌ی آقابزرگ به نام «تکملة الذریعة» چاپ شد. حاشیه‌ی ایشان در یک مجلد بزرگ بر «طبقات اعلام الشيعة» مرحوم آقابزرگ تهرانی به نام «تکملة طبقات اعلام الشيعة» چاپ شد.

اصفهان و دانشمندان اصفهان و علمای اصفهان و خاندان جلیل روضاتی باید به خود ببالند که شخصیتی در اصفهان بر کتاب‌شناس بزرگ شیعه در نجف اشرف مرحوم آیه‌الله شیخ آقابزرگ تهرانی و بر آثار او تعلیقه می‌نویسد. نکاتی اگر بر قلم مرحوم آقابزرگ رفته است چون کتابخانه‌های اصفهان در اختیار ایشان نبوده.

نسخه‌ها در اختیارش نبوده. آیه‌الله روضاتی نکاتی را هم در تدوین ذریعة می‌فرستند برای ایشان. نگاه کنید یکی از کتابخانه‌هایی که صاحب ذریعة استفاده کرده کتابخانه آیه‌الله روضاتی است و هم بعد چاپ ذریعة تصحیحاتی دارند تعلیقاتی دارند که در ۲ مجلد تعلیقاتشان به چاپ رسید. و همین‌گونه طبقات اعلام الشیعة،

تحقیق متن «نهج البلاغه»،

تحقیق و تصحیح «المُجَدی» کتابی است در انساب،

«دیوان اکابر»،

یک «شرح حال» برای شیخ اعظم انصاری،

«عترت طاهرة» فضائل و زندگینامه ۱۴ معصوم علیهم‌السلام. آیه‌الله روضاتی اهل ولایت بودند. و لذا یکی از آثارشان زندگینامه و فضائل ۱۴ معصوم پاک علیهم‌السلام است. «ریاض الأبرار» که مستدرک مجلد إجازات بحار است. و اجازاتی است که ایشان تدوین کرده‌اند در استدرک بر مجلد إجازات بحار.

اگر بخواهیم بگویم تا سحر برای شما در فضائل و مناقب آیه‌الله روضاتی علیه‌السلام سخن بگوییم. اما کفایت است. فقط بدانیم که ما گوشه‌ی اصفهان هنوز هم گوهرهایی داریم. هنوز هم شخصیت‌هایی داریم که مثل دیشب در قم در دفتر آیه‌الله العظمی آقای سیستانی مدظله برای آیه‌الله روضاتی مجلس ختم منعقد کردند و به حسب اطلاعی که بنده دارم از طرف تمام مراجع معظم تقلید آدم الله ظلمه یا خودشان شرکت کردند یا نماینده فرستادند. ما هنوز در گوشه‌ی اصفهان یک چنین شخصیت‌هایی داریم اگرچه بعضی وقت‌ها مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. حواستان جمع هست.

اگرچه بعضی وقت‌ها مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند. و من اینجا نمی‌خواهم بعض بی‌مهری‌ها را بگویم. اما هنوز هم مردم اصفهان گوهرشناسند.

هنوز هم کسانی در اصفهان هستند که هر هفته یک مدتی جمعه‌ها پیش از ظهر جمعه‌ها، یک مدتی شنبه‌ها حاضر می‌شدند شمع وجود این مرد بزرگ را پروانه‌وار دورش حلقه می‌زدند و از وجودش استفاده می‌کردند. یک وقت می‌دیدم یک مطلبی را ما می‌بایست چند ساعت مطالعه کنیم تا پیدا کنیم. اما پیش آیه‌الله روضاتی که می‌رسیدیم با یک کلمه‌ای که می‌گفتند و شاید حتی قبل و بعدش هم یک مزاح و یک شوخی می‌کردند. آن مطلب را باید پنج ساعت مطالعه می‌کردیم تا به آن برسیم، ایشان با یک جمله مطلب را برای من و برای امثال من و دوستان من حلّ می‌کردند. رحمة الله علیه.

ای کاش این بیماری به سراغ ایشان نمی‌آمد و عمرشان به درازا می‌کشید تا اهل تحقیق و اساتید از ایشان بیشتر استفاده می‌کردند. اما متأسفانه می‌بینیم امروز یک چیزهایی منتشر می‌کنند جزوه‌های ۴۰ صفحه ۳۲ صفحه، ۲ تا فرم منتشر می‌کنند، و یک اسم‌هایی هم رویش گذاشته‌اند، نمی‌دانم من نجف بودم از اصفهان چیزی نمی‌گویم به جهت اینکه در اصفهان برای من شرّ درست نشود، مشکلی ایجاد نشود، بناست در این شهر زندگی کنیم. دوستان ما از نجف اشرف توی جلسه حاضرند. در نجف اگر کتابی می‌خواهد منتشر شود نجفی‌ها می‌گویند: آقا این کتاب اگر از حوزه علمیه نجف منتشر می‌شود باید یک کتاب وزینی باشد. که اگر نام حوزه علمیه و کتاب از حوزه نجف منتشر می‌شود. اقلّاً باید یک چیزی باشد مثل مستمسک عروه

مرحوم آیه‌الله آقای حکیم. باید یک کتاب وزین و شایسته‌ای باشد. آن وقت ۳۲ صفحه کتاب، قطع جیبی، پالتویی، رقعی، کمتر، بیشتر. شما را به خدا قسم آبروی حوزه علمیه را نبرید. اگر بناست چیزی به نام حوزه علمیه اصفهان^۷ که یک وقت از حوزه علمیه نجف سر بوده منتشر شود. باید آبروی حوزه محفوظ بماند.

آیه‌الله روضاتی آبروی حوزه علمیه اصفهان بود. از هر جای دنیا که می‌آمدند می‌گفتند: آیه‌الله روضاتی. از مصر می‌آمد می‌گفت آیه‌الله روضاتی. از نجف و عراق می‌آمد از سوریه می‌آمد. آقایان، ما آبرو باشیم برای مذهب. امام صادق علیه السلام در روایت صحیح فرمودند: «کونوا زیناً ولا تکونوا شیناً»^۸. نه اینکه برداریم یک چیزهایی ۳۲ صفحه، ۱۶ صفحه، ۴۸ صفحه، قطع رقعی، پالتویی. بعد هم به اسم حوزه علمیه. لا حول و لا قوة إلا بالله. بدانیم چه می‌کنیم. اگر یک کسی، یک طلبه‌ای، یک چنین ورقه‌هایی را چاپ می‌کند. به اسم یک شخص در یک گوشه‌ای، یک طلبه مؤلف است. اینها را نیاورید ردیف کتاب‌های حوزه علمیه. بدانید حوزه علمیه اصفهان چه سابقه‌ای دارد چه تاریخی دارد. اگر شما... لا اله الا الله. نمی‌خواهم حرفی بزنم به کسی بر بخورد. از کجا آمده‌اید. از در و دهات آمده‌اید. یک پشت به گیوه می‌خورید. آن حسابش جداست اینجا شخصیت‌هایی وجود

۷. به عنوان نمونه نگاه کنید به کتاب‌هایی که در: «نمایه کتب مؤلفین حوزه علمیه اصفهان سال‌های ۸۹-۹۰» معرفی شده که توسط معاونت علمی - پژوهشی حوزه علمیه اصفهان منتشر شده است تا صدق عرایض حقیر معلوم گردد.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۷۷، ح ۹، موسوعة أحاديث أهل البيت علیهم السلام، ج ۵، ص ۴۸۳، ح ۴.

داشته‌اند. علمایی وجود داشته‌اند. کسانی بوده‌اند. آبروها حفظ بشود. کتاب‌های بزرگان را احیاء کنید. کتاب‌هایی که ارزشمند است احیاء کنید. نه اینکه خدای نکرده من آبروی مذهب را ببرم.

بحمد الله آية الله روضاتی آبروی اصفهان و مذهب شیعه بود. و آبروی خاندان صاحب روضات بود. آن وقت که جوان بود در قم درس می‌خواند یک آدمی مثل استاد جلال‌الدین همایی در تاریخ اصفهان نگاه کنید. تازه چاپ شده تاریخ اصفهان. در شرح حال خاندان روضاتی می‌گوید:^۹ چراغ دودمان خاندان روضاتی یک طلبه جوانی است در قم دارد درس می‌خواند به اسم آقای میرزا محمدعلی روضاتی. این دارد در قم درس می‌خواند. این چراغ دودمان خاندان روضاتی در آینده می‌شود. و شد. مرحوم استاد جلال‌الدین همایی آدمی است که چیز سرش می‌شود. می‌فهمد می‌داند. فعلاً آية الله روضاتی جوان است، اما جوان را که دیده می‌گوید. این جوان فردا خدماتی را خواهد کرد. رحمة الله علیهما.

آية الله روضاتی دلی بسیار پاک داشت. از هیچ کس دلگیر نبود. بسیار پاک و بسیار باگذشت. ۱۶ سال در این خانه تنها زیست. انیس و مونسش فقط کتاب‌ها

۹. نگر: تاریخ اصفهان، مجلد ابنیه و عمارات - تکایا و مقابر، ص ۳۶۵. عبارت مرحوم همایی چنین است: «که امید ترقی در وی بسیار است» البته در مجلد سلسله‌ی سادات و مشجرات، ص ۴۹۷ در شرح حال پدر آية الله روضاتی چنین می‌نویسد: «بهترین یادگاری که از او باقی مانده پسرش آقا میرزا محمدعلی روضاتی است که در قم به تحصیل اشتغال دارد و عن‌قریب چراغ دودمان خواهد شد».

با سپاس از آقای دکتر سید محسن قائم‌فرد رحمته الله علیه که این دو عبارت را در اختیار گذاشتند.

بودند و تحقیقاتش. بعد هم تشییع جنازه را کردند. بحمدالله محل دفنشان بسیار خوب شد. همان جور که خودشان می خواستند در تکیه جدشان صاحب روضات. من عرضم تمام. اما حیفم می آید امشب به عالم برزخ و در قبر آقای روضاتی دسته گلی را هدیه نکنیم، و آن دسته گل را می خواهم یک روضه ی موسی بن جعفر علیه السلام برای شما قرار دهم. چون تشییع جنازه این مرد بزرگ مثل تشییع جنازه جدشان، موسی بن جعفر علیه السلام شد. و لذا من را به یاد تشییع جنازه ی موسی بن جعفر علیه السلام انداخت. و حالا دسته گلی هدیه کنیم به روح این مرد. مگر موسی بن جعفر علیه السلام را چگونه تشییع کردند؟ موسی بن جعفر علیه السلام را اعلام کرده بودند که به شیعیان بیایید فردا امام شما آزاد خواهد شد. شاید شیعیان در نزدیک زندان جمع شده بودند یک مرتبه دیدند جنازه مطهر باب الحوائج موسی بن جعفر علیه السلام، چهار غلام روی تکه تخته ای قرار داده اند. این جنازه ی مطهر را بیرون آوردند از آن سیاه چال کنار شیعیان گذاشتند. شیعیان آمدند جنازه ی مطهر را بلند کنند. دیدند سنگین است وقتی که پوشش آن را عقب زده باشند ببینند چگونه بدنی که سال ها در زندان و در این سیاه چال بوده. چگونه سنگین است؟ دیدند که جنازه ی مطهر با غلّ و زنجیر جامعه هنوز بسته شده است. جنازه را حرکت دادند یک کسی جلوی جنازه صدا می زند: هذا إمام الرافضة.^{۱۰} این امام شیعیان است. تا اینکه رسید نزدیک سلیمان عموی هارون. سلیمان دید که جنازه را این جور می برند گفت این جنازه ی کیست؟ اگر یکی از بنی هاشم نیست. چرا به سمت مقابر قریش می برند. اگر از بنی هاشم است چرا

۱۰. نگر: بحار الأنوار، ج ۴۸، ص ۲۲۷ (ج ۱۹، ص ۶۲۳) چاپ بیروت.

این گونه تشییع می شود؟ وقتی فهمید جنازه موسی بن جعفر علیه السلام است. سلیمان عموی هارون فرزند متوکل عباسی عمامه بر زمین زد. آمد جنازه را با عزت و احترام به سوی مقابر قریش تشییع کرد. السلام علیک یا باب الحوائج. یا موسی بن جعفر^{۱۱}

۱۱. رجوع کنید: الإرشاد، ج ۲، صص ۲۴۲ و ۲۴۳ از شیخ مفید؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۳۴ از شیخ طبرسی.